

اختلال خواندن و نوشتن

در کودکان دبستانی

مقدمه

مشکل خواندن و نوشتن یکی از اختلالهای شایع دوره دبستانی است. بسیاری از مراجعان به کلینیک‌های مشاوره، دانش آموزانی هستند که در خواندن و نوشتن اشکال دارند. از مجموع مراجعان دانش آموز به کلینیک‌های درمانی، ۹۰۹۶ مورد اختلال در خواندن و ۱۲۵۳۶ مورد اختلال در نوشتن داشته‌اند. (مجله آماری کشور، ۱۳۶۲). بر اساس آمار موجود، ۸۵ تا ۹۰ درصد از کودکان مبتلا به ناتوانیهای یادگیری مشکل خواندن دارند و حتی ۲۵ درصد از ناکامیهای درسی در کلاسهای ابتدایی از ناتوانیهای خواندن سرچشمه می‌گیرد. اختلال در خواندن در پسران، ۲ تا ۴ برابر بیش از دختران است (والاس، ترجمه منشی ۱۳۶۹).

بسیاری از کودکان مبتلا به ناتوانی خواندن، حروف و کلمات مختلف را به خوبی با چشم تشخیص نمی‌دهند. مثلاً حروف ب و پ یا ع و غ یا س و ش و کلمات کتاب و کباب را از یکدیگر تمیز نمی‌دهند. برخی ناراحتی شنیداری دارند و تفاوت شنیداری بین پُر و پَر یا اَبَر و اَبَر یا تار و کار و همچنین تشخیص م از ن یا د از ت را نمی‌دهند. تداخل برخی از ناراحتیها مانند بیش فعالی، ترس و اضطراب ممکن است باعث ناتوانی خواندن در کودک بشود.

اختلال خواندن و نوشتن

انسان دارای سه توانش زبانی جداگانه است. این سه توانش در سه سطح زبان شنیداری، زبان گفتاری و زبان نوشتاری بروز می‌کند. برخی از کودکان زبان شنیداری کاملی دارند ولی در زبان گفتاری اشکال دارند مثلاً کتاپ را بخوبی می‌شنوند ولی در گفتار به صورت تتاب بیان می‌کنند. اگر در گفتگو به آنان تتاب گفته شود ناراحت می‌شوند. چون زبان شنیداری کاملی دارند. این گونه کودکان در شنیدن درست می‌شنوند ولی در گفتن درست بیان نمی‌کنند این دسته در زبان گفتاری اشکال دارند. لذا در زبان نوشتاری غلط می‌نویسند. بسیاری از کودکان در هنگام نوشتن "می‌کنند" می‌شنوند ولی "می‌کند" می‌نویسند و یکی از نونهار را در نوشتن حذف می‌کنند یعنی زبان شنیداری و زبان نوشتاری آنان تطابق ندارد.

در باره مشکلات خواندن سه نظریه مطرح است (نلسون و ایز رانل ترجمه منشی، ۱۳۶۷).
 ۱- کاستی ادراکی،
 ۲- درهسم
 آمیختگی ناصحیح حسی،
 و ۳- کاستی جریان دهی کلامی. بر اساس نظریه کاستی ادراکی زیر بنای مشکلات خواندن، ناهنجاریهای ادراک دیداری است. مانند خطای ناشی از دیدن خ و غ. بنا بر نظریه

درههم آمیختگی ناصحیح حسی، افرادی در خواندن ضعیف هستند که در پردازش اطلاعات بدست آمده از حواس مختلف به ویژه اطلاعات شنیداری و دیداری مشکل دارند مثلاً بین شنیدن و دیدن داد و باد تفاوت نمی‌گذارند. بر طبق نظریه کاستی کلامی آنانکه در فرایند کلامی دچار نارسایی هستند از نظر خواندن نیز اشکال دارند. این دسته در نامیدن اجسام، آواشناسی و ترکیب کلمات، اشکال دارند.

لرنر (۱۹۷۱) اشکالهایی را که باعث اختلال در نوشتن می‌شود چنین بر می‌شمارد.
 ۱- ضعف در مهارتهای حرکتی به صورتی که کودک از نظر گردش دست و انگشت برای نوشتن حروف و کلمات اشکال دارد.
 ۲- خطا در ادراک بصری حروف و کلمات.
 ۳- دشواری در نگه داری تجارب بینایی و
 ۴- اضطراب و بی قراری، در علت شناسی اختلال خواندن و نوشتن نشانه‌های زیر دیده می‌شود. (DSM, IV < 1994):

۱- پیشرفت در خواندن به صورت قابل توجهی با در نظر گرفتن سطح تحصیل و ظرفیت هوشی دانش آموزان پائین تر از سطح انتظار است.
 ۲- اختلال در پیشرفت خواندن با فعالیت روزمره که مستلزم مهارت خواندن است تداخل می‌نماید.

۳- ناتوانی مستمر در بکار بردن اصوات کلامی که از نظر رشد انتظار انجام آن می‌رود.

۴- مهارت نوشتن با توجه به سن و هوش پایین‌تر از حد انتظار است.

۵- اختلال موجود ناشی از معایب شنوایی، بینایی، عقب ماندگی ذهنی و اشکال در مکانسیم تکلم نیست.

آنچه که اختلال در خواندن و نوشتن را در ایران متمایز می‌کند مسائلی است که به ساختار زبان فارسی برمی‌گردد. در زمینه خواندن در زبان فارسی اشکالات زیر وجود دارد:

۱- حرکات کلمات در زبان فارسی نوشته نمی‌شود و تنها صداهای بلند یعنی او، آ، ای مشخص است. برخی از کلمات را به دلیل نبودن حرکت در آن نمی‌توان به درستی خواند مانند کُل و مِل.

۲- حروف فارسی زیاد نقطه دارد و کلمات با یک یا دو نقطه از یکدیگر جدا می‌شوند. همین مسئله در خواندن اشکال ایجاد می‌کند. مثلاً پ، ت، پ، ث با اضافه یک یا دو نقطه مشخص می‌شود. کافی است در درج نقطه دقت نشده باشد و مشکل خواندن ایجاد شود.

۳- صدای برخی از حروف در فارسی به یکدیگر نزدیک است و در خواندن تداخل می‌کند مانند صدای "دو" "ب" و صدای "دا" و "لا".

در نوشتن کلمات فارسی مشکلاتی وجود دارد که ناشی از شکل حروف و تلفظ آنهاست. عمده‌ترین مشکل نوشتن عبارتست از:

الف - تلفظ حروف س و ص و ث و همچنین ذ. ز و ظ در فارسی یکسان است. از این رو وقتی کودک کلمه سید و صید را می‌شنود از نظر تلفظ یکسان می‌شنود ولی باید دو جور بنویسد.

ب - برخی از حروف در فارسی ادا نمی‌شود ولی باید نوشته شود مانند واو در خواهر. خواهش.

ج - برخی از کلمات با حرکت تمام می‌شود ولی باید حرفی به آن اضافه شود مانند گفته و رفته که با آوای "ا" تمام می‌شود و باید "ه" آخر به آن اضافه گردد.

د - در برخی از کلمات دو حرف پشت سر هم تکرار می‌شود و همین مسئله در نوشتن اشکال ایجاد می‌کند مانند "می‌کنند" که معمولاً کودکان یکی از نونهای آن را نمی‌نویسند.

ه- برخی از کلمات دارای مفاهیم مختلف بوده و هر کدام بر اساس معنای مورد نظر نوشته می‌شود مانند گذاردن به معنای چیزی را در جایی نهادن که به ذال نوشته می‌شود و گزاردن به معنای انجام دادن که به ز نوشته می‌شود.

علاوه بر این ممکن است اختلال در خواندن و نوشتن ناشی از آشفتگی‌های فکری، مسائل محیطی و موقعیتی باشد. یک دانش آموز خجالتی و کمرو ممکن است نتواند درست درس را بخواند. اضطراب باعث می‌شود که دانش آموز کلمه‌ای را درست ننویسد. خانواده نقش عمده‌ای در تقویت یادگیری دارد. اگر روابط خانوادگی مناسب نباشد بر یادگیری دانش آموز



اگر روابط خانوادگی مناسب نباشد بر یادگیری دانش آموز و خواندن و نوشتن او تأثیر می‌گذارد.

بسیاری از کودکان مبتلا به ناتوانی خواندن، حروف و کلمات مختلف را به خوبی با چشم تشخیص نمی‌دهند. مثلاً حروف ب و پ یا ع و غ یا س و ش و کلمات کتاب و کباب را از یکدیگر تمیز نمی‌دهند.

و خواندن و نوشتن او تأثیر می‌گذارد. معلم و محیط آموزشی در خواندن و نوشتن نقش عمده و حیاتی دارد. اگر نوشتن یک کلمه با تشویق معلم همراه باشد دانش آموز به نوشتن آن کلمه ترغیب می‌شود. و چنانچه یک اشتباه با توییح معلم همراه گردد دانش آموز را از دوباره نوشتن و یادگیری درست کلمه باز می‌دارد.

در برخوردهای کلینیکی با دانش آموزان دبستانی معمولاً اشکال در خواندن و نوشتن به صورت زیر دیده می‌شود.

- ۱- بین زبان شنیداری و زبان گفتاری دانش آموز تطابق وجود ندارد. مثلاً دانش آموز کلمه سیب و باد را به همین صورت می‌شنود ولی شیب و داد می‌گوید و در نتیجه غلط می‌نویسد.
- ۲- زبان شنیداری دانش آموز با زبان نوشتاری همخوان نیست. مثلاً دانش آموز کلمه سبد را می‌شنود ولی سید می‌نویسد. برای او روشن نیست که برخی از کلمات را آنگونه که می‌شنود نباید بنویسد و باید به خاطر بسپارد که صید با صاد و ثبت با ث است.
- ۳- بین اندیشه، درک و نوشتن که یک پیوستار زبانی است تداوم وجود ندارد. کودک جمله‌ای را که می‌شنود باید در ذهن خود پردازش کند و آنرا بازگو کرده و بنویسد. کودک این تداوم را حفظ نمی‌کند و در انتقال اندیشه به نوشتن، کلمه‌ای را حذف می‌کند.
- ۴- برخی از کلمات جنبه عملی برای کودک ندارد و به صورت انتزاعی یاد گرفته شده و طوطی وار بازگو می‌کند. در نتیجه ممکن است جزئی از کلمه یا جمله را حذف کند.
- ۵- برخی از مفاهیم در سطح درک کودکان

دبستانی مخصوصاً سالهای اول و دوم نیست. در نتیجه آن مفاهیم به دایره طرح‌واره شناختی ذهن کودک وارد نمی‌شود و همین امر باعث درست نخواندن و درست ننوشتن می‌شود.

شیوه برخورد با اختلال خواندن و نوشتن

برای برخورد با مشکل خواندن می‌توان چنین عمل کرد که ابتدا کودک کلمه را که می‌خواهد بخواند برگزیند. معلم کلمه مورد نظر را با حروف بزرگ می‌نویسد. سپس کودک حروف را با انگشتان خود لمس می‌کند و همراه با آن تلفظ آن حروف را می‌آموزد. این عمل را کودک تا هنگامی که بتواند کلمه‌ای را به صورت جزئی از حافظه خود روی کاغذ بیاورد تکرار می‌کند سپس از کودک خواسته می‌شود تا با استفاده از این کلمه داستانی بسازد. هر کلمه‌ای را که کودک فرا می‌گیرد معلم بر روی کسرتی می‌نویسد و به صورت الفبایی بایگانی می‌کند و از آن در داستانش استفاده می‌کند. در مراحل بعد

کودک تشویق می‌شود تا با استفاده از کلمه‌هایی که قبلاً آموخته است جملات تازه‌ای بسازد (والاس و همکاران، ترجمه منشی، ۱۳۶۹). باست و همکاران (نادری و سیف، ۱۳۶۴) برای برخورد با مشکل نوشتن آموزشهایی را توصیه می‌کنند که در آن کودک در کسب مهارتهای بینایی - حرکتی یاری می‌شود. ابتدا خطوطی عمودی روی تخته سیاه رسم می‌شود و از کودک خواسته می‌شود تا از روی این خطوط بکشد. سپس اشکال مختلفی رسم می‌شود تا کودک آنها را نیز بکشد. سپس آموزش نوشتن حروف، اعداد و در نهایت کلمات شروع می‌شود.

نادری و سیف (۱۳۶۴، ص ۷۶)، روش سینا را برای آموزش خواندن به دانش آموزان کلاس اول در نظر گرفته‌اند آنان ۱۴ مرحله را برای این آموزش پیشنهاد کرده‌اند. آموزش با ساده‌ترین کلمات شروع و به افزایش خزانه لغات و ترکیب کلمات منتهی می‌شود.

ره‌نمودهای زیر به بهبود

خواندن و افزایش مهارت نوشتن کمک می‌کند.

۱- ارزیابی دقیق از توان ذهنی دانش آموزان صورت گیرد، تا معلوم شود که مشکل خواندن و نوشتن در اثر کمبود استعداد ذهنی او نباشد.

۲- آنچه که باعث آشفته‌گی فکری دانش آموز در خانواده و اشکال یادگیری در مدرسه می‌شود رفع گردد و روابط خانه و مدرسه به صورت سازنده‌ای در آید.

۳- در سال اول دبستان کلماتی که صداهای نزدیک به هم دارند با یکدیگر تدریس شود مانند داد و باد، کرد و سرد.

۴- کلماتی که بر نقطه است مانند پ، ژ، پس از کلماتی که یک یا دو نقطه دارند بیاید و یاد داده شود.

۵- به دانش آموزان تفهیم شود که در زبان فارسی برخی از حروف تلفظ یکسانی دارند ولی در نوشتن متفاوت نوشته می‌شوند مانند حروف س و ص دانش آموز باید این کلمات را حفظ کند و بداند که مثلاً صید با صاد نوشته می‌شود.

۶- مفاهیم انتزاعی که فهم آنها در سالهای اول دبستان مشکل است به سالهای بعد موکول شود. اینگونه کلمات اگر در سالهای اول بیاید برای دانش آموز نا مفهوم است و خوب یادگرفته نمی‌شود مانند ظلم، طمع.

۷- برخی از کلمات مانند خواست و خاست که نوشتن آنها برای دانش آموزان اول و دوم ایجاد اشکال می‌کند در سالهای سوم یا چهارم تدریس شود.

۸- اشکالات شنیداری و نوشتاری دانش آموزان رفع شود و بین زبان شنیداری، گفتاری و نوشتاری دانش آموزان تطابق ایجاد شود تا آنان بتوانند آنچه را می‌شنوند به نوشته تبدیل کنند.

۹- کلماتی که در فارسی دبستان به کار می‌رود از ابتدا به صورتی باشد که با توان ذهنی و تجربه عملی دانش آموزان هماهنگ باشد و برای آنان جنبه کار بردی داشته باشد.

۱۰- یک بررسی همه جانبه صورت گیرد و کلمات متداول زبان فارسی مشخص گردد و بر روشهای نوین تدریس فعال تاکید شود و به جای تکلیف تکراری دانش آموزان را به خواندن داستانها و نمایشنامه‌ها و خلاصه کردن آنها تشویق نمایند تا هم حجم خواندن آنان افزایش یابد و هم در نوشتن و خلق جملات تازه و بدیع، جرأت و ابتکار به خرج دهند.

برخی از کودکان زبان شنیداری کاملی دارند ولی در زبان گفتاری اشکال دارند مثلاً کتاب را بخوبی می‌شنوند ولی در گفتار به صورت کتاب بیان می‌کنند.

بین اندیشه، درک و نوشتن که یک پیوستار زبانی است تداوم وجود ندارد. کودک جمله‌ای را که می‌شنود باید در ذهن خود پردازش کند و آن را باز گو کرده و بنویسد. کودک این تداوم را حفظ نمی‌کند و در انتقال اندیشه به نوشتن، کلمه‌ای را حذف می‌کند.

منابع

- دلاکانو، کارل، اختلال در خواندن، ترجمه فاطمه سرحدی زاده، تهران، انتشارات اطلس، ۱۳۶۸.
- لرنر، ج. و، ناتوانیهای یادگیری، ترجمه اکبر فریار و فریدون رخشان، تبریز، انتشارات نیما، ۱۳۶۹.
- مشفی، فرهاد، دوگانگی در نوشتن زبان، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد ۲، شماره ۱ و ۲ پاییز و زمستان ۱۳۶۸.
- نادری، عزت الله و سیف نراقی، سریم، اختلالات یادگیری، تهران، انتشارات امیر کبیر ۱۳۶۲.
- نلسون، ریچارد و ایزارتیل، زن، اختلالهای رفتاری کودکان ترجمه تقی منشی طوسی، مشهد، آستان قدس رضوی معاونت فرهنگی، ۱۳۶۷.
- والاس، جسرالدومک لاقسین، جسرالد، ناتوانیهای یادگیری، مفاهیم و ویژگیها، ترجمه تقی منشی طوسی، مشهد، آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی ۱۳۶۹.
- American Association, Diagnostic & Statistical Manual of Mental Disorders, 4 ed. (DSM.IV), American Psychiatric Association, Washington DC. 1994
- Herbert, Martin, Clinical Child psychology, New york, John wiley & Sons Ltd. 1991

